

هو الحكيم\*

عنوان:

آیا فطری بودن حجت الهی بی نیاز از ارائه معجزه است؟!



دکتر وحید باقر پورکاشانی



سرایه حقیقی SERATEHAGHI

در روایات ما آمده که حجت الهی هم فطری است.  
حتی ما روایاتی داریم که ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام  
هم فطری است؛ این یعنی چه؟ یعنی آیا مثلاً  
هر کسی ظاهر امیرالمؤمنین علیه السلام را ببیند، می گوید  
که آقا ایشان امام هستند؟ ایشان خلیفه هستند؟  
در عالم ذر هم اتفاقاً مطرح شده که  
ولایت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و اهل بیت علیهم السلام  
و انبیاء را عرضه کردند به تمام این ذرات؛  
جمعی ولایت خاتم النبیین و اهل بیت ایشان را پذیرفتند،  
جمعی نپذیرفتند. لذا گفتند همینطور که معرفة الله فطری است،  
معرفت به نبی و معرفت به امام هم فطری است.  
ایشان احتمالاً با توجه به این روایات می فرمایند که:  
«اگر خداوند، رسولی مبعوث کند، فرض این است که بدون  
معرفی خودش به عنوان رسول، مردم او را بشناسند».  
همین طور که فطری است که خداوند را بشناسند،  
رسول هم که می آید او را هم بشناسند. این یعنی چه؟

یعنی آیا مثلاً پیامبر را هر کسی ببیند می‌گوید  
این پیامبر است؟ اصل نیاز به حجت‌الله، راهنما و سفیر،  
این بحث فطری است. بالآخره ما يك نفر را داریم  
که باید رابطه‌ی بین خالق و خلق باشد که ما با  
این عقل خودمان، چون با این عقل یکسری ایدئولوژی‌ها باید و  
نبایدها و بد و خوب‌هایی را می‌فهمیم اما محدود است،  
این شعاع عقل محدود است، همه‌چیز رو نمی‌تواند حکم بدهد!  
ما دست و پا می‌زنیم يك چیز دیگری هم باید باشد وگرنه  
ما در زندگی گیر می‌کنیم! پس اینکه يك حجتی باید باشد،  
يك واسطه‌ای باید باشد، این فطری است. اما اینکه آن  
امر فطری، آیا این کسی که ادعا می‌کند این همان است یا نه،  
این نیاز به بیّنه دارد، نیاز به معجزه دارد، نیاز به  
این دارد که خودش را معرفی بکند، بیّنه‌ای اقامه  
بکند که ما بفهمیم آن چیزی که در بطن و کتم  
خودم من درك می‌کنم که باید باشد و فطری است  
این آقا است مثلاً.

یا گاهی اوقات مثلاً نص باید باشد. ایشان  
بحث نص را که مطرح می‌کند، ایشان چون بحث معجزه را  
کمرنگ مطرح می‌کند، انکار معجزه نمی‌کند، ولی معجزه را  
کمرنگ می‌کند به‌عنوان اثبات حجت الهی. می‌گوید  
نص است. می‌گوییم که نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم  
نص است؟ می‌گوید بله. حتی نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم  
را به نص باید بیابیم. می‌گوید در کتب پیشینیان آورده شده  
و به نص باید این‌ها بیابیم. اصلاً کسانی بودند  
اشراف به کتب پیشینیان نداشتند! اصلاً مسیحی نبودند،  
یهودی نبودند، این‌ها باید چه کار بکنند؟ این‌ها باید  
بروند اول مسیحی و یهودی بشوند بعد کتاب پیشینیان را  
دست‌شان بگیرند استناد بکنند به کتاب پیشینیان؟!  
این حرف اشتباهی است! یا کسانی که یهود و نصارا بودند  
اگر چنانچه نشانه‌هایی که در کتب‌شان بوده خب بله! و تازه  
از کجا معلوم این فرد است؟! باز هم نیاز به بینه دارد.  
ما آن کسی که اهل کتاب نبوده چی؟ بینه؛ معجزه اقامه می‌کند.